

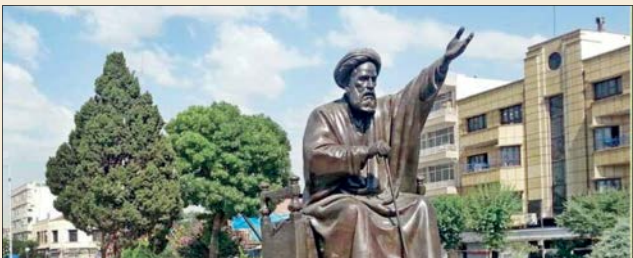
معنای ابدی

غلامرضا رحیم‌زاده ارژنگ مجسمه‌ای ماندگار دارد که ۶۰ سال پیش در میدان حر امروز یا باغشاه سابق نصب شده و گرشاسب را در حال مبارزه با اژدها نشان می‌دهد. پیروزی خیر بر شر، گفتمان این مجسمه است که همین سبب شد بعد از تغییر نام میدان این مجسمه بتونی سر جایش بماند. رحیم‌زاده ارژنگ مجسمه‌های دیگری هم دارد که از مهم‌ترین آنها انوشیروان دادگر در کاخ دادگستری است. حسن ارژنگ‌نژاد دیگر مجسمه‌ساز ایرانی، پسرخاله رحیم‌زاده است.

سن شهروندان پایتخت

وسی شاهنامه‌اش را برداشت و همراه زال رفت و نشست وسط میدان فردوسی

گر از خاطره‌انگیزترین مجسمه‌های شهری تهران را مرور کرده‌ایم



به چه اشاره می‌کنی مرد؟

مدرس

محل استقرار: میدان بهارستان

تاریخ نصب: آذر ۱۳۷۵

جنس: برنز

سازنده: ملک دادار گروسیان و نادر قشقایی

ارتفاع: ۳٫۵ متر

ظاهر کودتا که هنوز خیابان‌های پایتخت دست قلچماق‌های وابسته به دربار پهلوی نیفتاده بود، مصدق‌چی‌ها از آن چهار ستون هخامنشی بالا رفتند تا مجسمه برنزی



دیواری که حلزون شد

انقلاب

محل استقرار: میدان انقلاب

تاریخ نصب: ۱۳۶۱

جنس: بتون

سازنده: ایرج اسکندری



مردنستوه بالاشری‌ها

کوهنورد

محل استقرار: میدان دربند

تاریخ نصب: ۱۳۳۸

جنس: ابتدا گچ، سپس سیمان

سازنده: رضا لعل ریاحی

مرد نیرومند میدان

رضا لعل ریاحی خالق مجسمه‌ای در میدان دربند تهران است که از ۵۸ سال پیش تا به حال از کوهنوردان استقبال می‌کند. ریاحی این مجسمه را از روی گروهیان امیر شاهقندی مربی کوهنوردی ساخت و شاهقندی برای ساخته شدن این مجسمه طی هشت ماه، روزی هفت ساعت به شکلی که مجسمه ایستاده، می‌ایستاد تا استاد ریاحی خلق تابلو را به انجام برساند. این مجسمه‌ساز که استاد دانشگاه تهران بود سال ۱۳۹۵ در ۸۹ سالگی از دنیا رفت.

هویت‌نمای شهرها و محله‌ها

📍 خیابان‌ها و محله‌های تهران به قدری سریع در حال تغییر و تحول هستند که دیگر واقعا نمی‌توان مطمئن بود اگر بعد از یک‌سال به خیابان یا محله‌ای برگردید، دوباره با همان بافت و همان خیابان‌ها و همان کوچه‌پس‌کوچه مواجه می‌شوید؛ در این میان نه تنها بافت خیابان‌ها بلکه نام خیابان‌ها و معابر شهری هم به‌سرعت دستخوش تغییر و تحول می‌شود. البته اصلا اقدام بدی نیست که نام انسانی افتخارآفرین بر معبری بنشینند، اما این‌که این نام بر تارک چه معبری با چه سابقه‌ای بنشینند، بسیار حائز اهمیت است.

شما ببینید، آمده‌اند و نام بزرگان اسلام و ائمه اطهار را روی میادین یا بزرگراه‌ها گذاشته‌اند و از نظرشان کار بسیار ارزشمندی هم انجام داده‌اند؛ غافل از این‌که وقتی مردم به زبان کوچه و بازار این اسامی را بر زبان می‌آورند، ممکن است سبب ایجاد وهن شود؛ در حالی که بر ما واجب است وقتی اسامی متبرکه را می‌شنویم، بایستیم و تعظیم کنیم. برای من جای سوال است امام علی (ع) چه نیازی به بزرگراه دارد؟ یا امام حسین (ع) چه نیازی به میدان دارد؟

معرفی یک شهر قطعا با تاکید بر پیشینه و عکس‌هایی که مبتنی بر مجسمه‌ها و معماری آن است، عملی می‌شود؛ چراکه اینها این امید را به انسان می‌دهد که زندگی در طول دهه‌های مختلف و با وجود جنگ‌ها، انقلاب‌ها و بلایای طبیعی همواره ادامه داشته است، اما بعضا دیده می‌شود این معرفی بدون هیچ آگاهی انجام شده و از سویی دیگر اسامی خیابان‌ها توسط دولت‌ها تغییر می‌کند و این تغییر معمولاً مورد پذیرش عموم مردم قرار نمی‌گیرد.

خیابان فردوسی را از سال‌ها پیش به نام خیابان سفرای می‌شناختند. اما سال ۱۳۱۳ که آقای فروغی (نخست‌وزیر) پیشنهاد تغییر نام خیابان‌ها را داد، بنا شد برخی خیابان‌ها را مجدد نامگذاری کنند. بعضی از خیابان‌ها نامشان با ماسما نبود مانند خیابان لختی که نامش را به سعدی تغییر دادند. خیابان حافظ هم در گذشته با نام شاهپور معروف بود که بعدها به این نام تغییر پیدا کرد. نام‌های زیادی تغییر کرد که بعضی مورد پذیرش مردم واقع شد و بعضی دیگر نشد و بعضا می‌بینیم با وجود تغییر نام این خیابان‌ها، مردم همچنان آن را به نام سابقش صدا می‌کنند.

هر نام یک عقبه تاریخی دارد و در تغییر نام‌ها باید سابقه تاریخی یک محله یا یک خیابان حفظ شود که مردم راحت‌تر آن را بپذیرند. در این میان البته، هویت‌زدایی و از بین بردن نمادهای تاریخی دل هر انسان فرهنگ دوستی را به درد می‌آورد. ساخت مجتمعی تجاری در دل بافت تاریخی کرمان که اطراف آن ساختمان‌های تاریخی و قدیمی مانند کاروانسرای کوزه‌گران، میدان تاریخی ارگ، بازار تاریخی و حتی مجموعه گنبدعلی‌خان قرار گرفته یا بی‌توجهی به ارگ علیشاه در تبریز یا مثال‌های فراوان دیگر در این باره چه توجهیه فرهنگی‌ای دارد؟ بهتر است زاویه نگاهمان را به اینبیه تاریخی تغییر دهیم؛ چراکه پشت هریک از این بناها تاریخ و هویت ایرانی نهفته است.

مجسمه نماد هویت و جان‌بخشی به یک شهر یا محله است و باید با توجه به اندیشه و فرهنگ مردم یک شهر ساخته شود تا مردم با آن ارتباط برقرار کنند. ضمن این‌که یک اثر باید به مردم معرفی شود تا مردم آن را بشناسند. به عنوان مثال در میدان حر، اگر از صد نفر در همان خیابان‌های اطراف میدان بپرسید این مجسمه چه کسی است، نمی‌دانند؛ نمی‌دانند در میدان حر تندیس نبرد گرشاسب با اژدها به مناسبت نجات آذربایجان از اشغال شوروی و حزب دموکرات بنا نهاده شده‌که البته این تندیس همراه تندیس فردوسی جزو محدود تندیس‌هایی است که در دهه‌های اخیر آسیب ندیده و جا به جا نشده است.

مجسمه‌سازی شهری باید با توجه به فرهنگ، درک جامعه و امکانات یک شهر یا یک تمدن ساخته شود و مردم ما هنوز اطلاعات کافی راجع به همین مجسمه‌هایی که در تهران باقی‌مانده هم ندارند و آنچه به نظر می‌رسد، این است که ظاهراً تلاشی برای تعریف ماهیت و چرایی مجسمه شهری و مولفه‌های لازم برای ضرورت آن ارائه نمی‌شود.

از نظر من، زیبایی‌های بصری که امروز در تهران شاهد آن هستیم بسیار مصنوعی و قلابی است و ما در تهران فقط در حال دیوارسازی هستیم. متأسفانه با دستکاری در معماری اصول زندگی ایرانی را برهم زده‌اند و امروز هیچ بچه‌ای در تهران نمی‌تواند آسمان را ببیند. 📍



مجید آزاد عکاس
پرتره‌اش روزنامه جام جم دیروز سری به میدان فردوسی زد تا از تندیس فردوسی در آستانه ۶۱سالگی‌اش قاب‌هایی تازه ثبت کند

نام اثر:

LeTh rapeute

نام هنرمند:

رنه ماگريت

ارتفاع:

۱۶۰ سانتی متر

سال خلق اثر: ۱۹۷۶

جنس اثر: برنز

ملیت هنرمند: بلژیک



نام اثر:

Two Pieces Reclining

Figure:Arched leg

نام هنرمند:

هنری مور/ انگلیس

ارتفاع: ۲۵۴ سانتی متر

سال خلق اثر:

۱۹۶۹-۱۹۷۰

جنس: برنز



بدون عنوان

نام هنرمند:

آرنولدو پومودورو

ایتالیا

ارتفاع:

۱۵۶ سانتی متر

سال خلق اثر:

۱۹۶۷-۱۹۶۷

جنس اثر: برنز

با پتینه طلا

